اَعُوذُ بِاللّهِ السَّميعِ الْعليمِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام علی و استفاده از فرصت ها

امام على‏ علیه السلام در خطبه 183 نهج ‏البلاغه می‌فرماید: «فَاللَّهَ اَللَّهَ مَعْشَرَ اَلْعِبَادِ وَ أَنْتُمْ سَالِمُونَ فِي اَلصِّحَّةِ قَبْلَ اَلسُّقْمِ وَ فِي اَلْفُسْحَةِ قَبْلَ اَلضِّيقِ فَاسْعَوْا فِي فَكَاكِ رِقَابِكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُغْلَقَ رَهَائِنُهَا أَسْهِرُوا عُيُونَكُمْ وَ أَضْمِرُوا بُطُونَكُمْ وَ اِسْتَعْمِلُوا أَقْدَامَكُمْ وَ أَنْفِقُوا أَمْوَالَكُمْ وَ خُذُوا مِنْ أَجْسَادِكُمْ فَجُودُوا بِهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ لاَ تَبْخَلُوا بِهَا عَنْهَا»

خدا را خدا را در نظر بگیرید، اى گروه بندگان! در این حال‏كه در نعمت تندرستى غوطه‏ورید، پیش از آنكه بیمارى به سراغتان آید، و در این حال كه در گشایش و آسایش به سر مى‏برید پیش از آنكه تنگناهاى زندگى شما را در خود فرو برد. پس بكوشید در آزادسازى گردن‏هایتان پیش از آنكه با زنجیرهاى گرو بسته شوید.

شب‏زنده‏دارى كنید و شكم‏هایتان را خالى نگهدارید. در راه خیرات گام‏ها بردارید و اموالتان را در راه مستمندان انفاق كنید. از بدن مادّى بگیرید و براى پیشبرد نفوستان بهره‏ها بردارید و به خاطر علاقه به بدن، از رشد نفوس خود بخل نورزید.

گوشه ای از رفتار عملی آن حضرت

حضرت امام علی ـ علیه السّلام ـ کنار سفره‌ی غذا مانند بندگان می‌نشست، اگر دو لباس مرغوب و غیر مرغوب تهیه می‌کرد مرغوبش را به غلام خویش می‌داد، با دست مبارک خویش هزار برده را تربیت کرد و در راه خدا آزاد نمود.

 هیچ کس را توانایی انجام کارها و عبادات حضرت نبود، شب و روز هزار رکعت نماز بجا می‌آورد و البته شبیه‌ترین اشخاص به ایشان علی بن الحسین ـ علیه السّلام ـ بود. (أمالی صدوق، ص169.)

امام علی(ع) و انفاق

هر وقت ثروتی به دست حضرت می‌رسید فقرا و مستضعفین را جمع می‌کرد و پول‌ها را از دست راست به دست چپ می‌ریخت و می‌فرمود: ای پول‌های زرد و سفید مرا گول نزنید و بروید و غیر مرا گول بزنید و در همان مجلس همه را به هر صاحب حقی عطا می‌فرمود و سپس دو رکعت نماز شکر بجا می‌آورد. (أمالی صدوق، ص169.)

توصیه‌های امام علی(ع) به بازاریان

هر روز صبح که می‌شد وارد بازار مسلمین می‌شد در حالی که تازیانه‌اش بر دوش بود، اول بازار می‌ایستاد و می‌فرمود:

 ای اهل بازار و تجّار ابتدا از خدا طلب خیر کنید و با آسان‌گیری بر مردم، خیر و برکت را به کسب خود وارد کنید، ‌شغل را به زینت حلم مزیّن نمایید، حتماً از دروغ و قسم پرهیز کنید، از ظلم و بی‌انصافی اجتناب نمایید و به داد محرومین برسید و به هیچ وجه به ربا و معاملات ربوی نزدیک نشوید.( بحار، ج41، ص104.)

تقسیم اموال

یکی از شب‌ها مقداری پول برای حضرت آوردند، فرمود: هم اکنون آن را تقسیم کنید. عرض کردند، الآن شب است صبر کنید تا فردا تقسیم کنیم، فرمود: «تُقبِّلونَ أنْ أعیشَ إلی غدٍ» ؛ آیا شما یقین دارید که من فردا زنده هستم.

گفتند ما هم برای خود چنین باوری را نداریم فرمود: پس تأخیر نیندازید شمعی آوردند، زیر نور شمع اموال را تقسیم کردند. (امالی شیخ طوسی، ص257)

امام علی(ع) و بیت المال مسلمین

خطاب به کارگزاران

اميرمؤمنان علي عليه‏السلام براي کارگزاران خود چنين مي‏نويسد:

اَدِقّوا اَقلامَکُم و قاربوا بَيْنَ سُطُورِکُمْ و اَحْذِفُوا عَنْ فُضُولِکُم وَ اقصُدُوا المَعاني و ايّاکُم و الإِکثارَ فَاِنّ اموالَ المسلمينَ لا تَحْتَمِلُ الضَّرَر.

سر قلم‏ها را نازک‏تر کنيد و بين سطرها را نزديک نماييد و از استخدام واژه‏هاي زايد بپرهيزيد و معاني را هدف قرار دهيد و از پرچانگي و زياده‏روي دوري نماييد؛ زيرا نبايد به ثروت مسلمانان آسيب برسد.

نگاه ویژه به صاحبان قدرت و ثروت

در آن هنگام که مردم به سفره‌ی چرب و درهم و دینار معاویه هجوم می‌بردند، ‌عده‌ای از راه خیرخواهی می‌گفتند یا امیر‌المؤمنین از اموال بیت المال به اشراف عرب و قریش بده که این قدر از کنار تو پراکنده نشوند.

 می‌فرمود: آیا از من می‌خواهید که پیروزی را از طریق ظلم بدست آورم نه به خدا سوگند چنین کاری را نخواهم کرد. (بحار، ج41، ص109.)

ماجرای عقیل و امام علی(ع)

یک روز عقیل برادر آن حضرت درخواست کمک مالی کرد و گفت من تنگدستم مرا چیزی عطا کن، حضرت فرمود: صبر داشته باش تا میان مسلمین تقسیم کنم، سهمیه‌ی تو را خواهم داد، عقیل اصرار ورزید، علی ـ علیه السّلام ـ به مردی گفت:

دست عقیل را بگیرد و ببر میان بازار، بگو قفل مغازه‌ای را بشکند و آنچه در میان مغازه هست بردارد. عقیل در جواب گفت می‌خواهی مرا به عنوان دزدی بگیرند.

 علی ـ علیه السّلام ـ فرمود: پس تو می‌خواهی مرا سارق قرار دهی که از بیت المال مسلمین بردارم و به تو بدهم؟! (بحار، ج41، ص414)

گریه معاویه برای امام علی(ع)

یک روز معاویه به یکی از دوستان امیر المؤمنین به نام ضرّار گفت: مقداری از اوصاف و اخلاق علی ـ علیه السّلام ـ را برایم شرح بده: گفت هر چه بگویم در امان هستم، گفت در امان خواهی بود.

ضرّار گفت:

سوگند به خدا که او در کسب مکارم اخلاق بلند همت بود، به عدل حکم می‌کرد، چشمه‌های علم و دانش از همه‌ی وجودش جوشان بود، از دنیا و زرق و برق آن وحشت داشت، با شب و تاریکی‌اش مأنوس بود، او در دل شب‌ها خیلی گریه می‌کرد و با خدای خویش مناجات می‌نمود، لباس خشن می‌پوشید، نان خشک می‌خورد. او در میان ما مثل یکی از ما بود و به محض آن که او را می‌خواندیم پاسخ مثبت می‌داد و با همه قرب و نزدیکی که با او داشتیم هیبتش ما را می‌گرفت و ما نمی‌توانستیم چشم در چشمش بیندازیم.

وقتی می‌خندید، دندان‌هایش مثل لؤلؤ بود، اهل دین را محترم می‌شمرد، مساکین و محرومین را دوست می‌داشت، مردم قوی در باطل خود به او طمع نمی‌بردند، فقراء هم از عدل حضرتش مأیوس نمی‌شدند.

به خدا قسم در بعضی مواقع در دل شب‌ها او را در حالی در محراب عبادت می‌دیدم که مثل انسان مار گزیده به خود می‌پیچید و با ناله گریه می‌کرد.

مثل آن است که الآن دارم صدای نازنینش را می‌شنوم که می‌فرمود: ای دنیای پست آیا به من تعرّض می‌کنی، مرا به سوی خود تشویق می‌کنی؟ هیهات، هیهات برو و غیر مرا فریب بده، مرا به تو حاجتی نیست! سپس می‌فرمود: آه آه از کمی توشه و طولانی بودن سفر و وحشت راه!

در اینجا بود که اشک معاویه و یارانش جاری شد و گفت: قسم به خدا ابوالحسن اینچنین بوده تو در فراقش چگونه صبر می‌کنی؟ گفت صبر کسی که فرزندش در دامنش ذبح شود، آنگاه ضرّار در حالی که گریه می‌کرد از جای برخاست و کاخ معاویه را ترک کرد. معاویه خطاب به دوستان خود کرد و گفت اگر من از میان شما بروم شما مرا اینگونه ثنا نخواهید گفت.

یکی از حضار پاسخ داده هر کس صاحب آن چیزی است که به دست آورده! (ارشاد دیلمی،‌ج2، ص14 ـ 13.)

امام علی(ع) و رسیدگی به بچه‌های یتیم

مقداری عسل و انجیز از هَمْدان و حُلْوان برای حضرت آوردند امر فرمود بین یتیمان تقسیم کنند و خود حضرت شخصاً بچه‌های یتیم را نوازش می‌کرد و از عسل و انجیر به دهانشان می‌گذاشت، عرض می‌کردند چرا شما این کار را می‌کنید؟ می‌فرمود:

 امام پدر یتیمان است، این عمل را انجام می‌دهم تا احساس بی‌پدری نکنند.( بحار، ج41، ص123.)

امام علی(ع) و انفاق شمشیر در حال جنگ

در یکی از جنگ‌ها با مرد مشرکی می‌جنگید، آن مرد عرض کرد یا علی شمشیرت را به من ببخش، حضرت شمشیر را به سویش انداخت، حریف در نهایت تعجب گفت:

ای پسر ابی طالب در شگفتم که در چنین موقعیتی شمشیرت را به دشمن می‌بخشی! فرمود: تو دست تقاضا دراز کردی، رد کردن درخواست و سئوال از شیوه‌ی کرم به دور است. مرد کافر از اسب پیاده شد و گفت: این روش اهل دیانت است پای مبارک آن جناب را بوسید و ایمان آورد.( انوار نعمانیه، ص343.)

عبادت در کودکی

همه مردم می‌دیدند که رسول خدا صلی‌الله علیه و آله، خدیجه علیهاالسلام و کودکی به نام علی علیه‌السلام وارد مسجدالحرام می‌شوند و نماز می‌گزارند.

حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

«وَ لَقَدْ صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولُ الله قَبْلَ النَّاسِ بِسَبْعِ سِنِینَ وَ اَنا اَوَلُ مَنْ صَلى مَعَهُ ؛ و همانا من با پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله پیش از همه انسان‌ها نماز خواندم، در حالی که من هفت ساله بودم، من اول کسی هستم که با پیامبر نماز گزاردم» (بحار، ج9، ص500.)

ایمان امام علی(ع)

و رسول گرامی اسلام هم فرمود:

« یا عَلِیُّ اَنتَ اَوَّلُ هذِهِ الاُمَّه ایماناً بِاللهِ وَ رَسوُلِه ؛ ای علی! تو اول فرد از این امّت اسلامی هستی، که به خدا و پیامبرش ایمان آوردی. (فروع کافی، ج4، ص39.)

سکوت تلخ امام به خاطر مصلحت اسلام

هنگامى که خلافت از امام ‏علیه السلام دور شد و دیگران بر مسند جانشینى پیامبرصلى الله علیه وآله تکیه زدند، افرادى بودند که امام را به قیام و گرفتن حق خود دعوت مى‏کردند که برخى از روى دلسوزى و ایمان و برخى دیگر با مطامع سیاسى به دنبال تحریک امام بودند.

 ابوسفیان یکى از این افراد بود که حکومت ابوبکر را که از قبایل ضعیف قریش بود تحمّل نکرده ، امام را به قیام و گرفتن حق خود دعوت کرد.

 او که مى‏خواست تحت عنوان حمایت از على‏علیه السلام فتنه بر پا کند با این جواب امام روبه‏رو شد که فرمود :

شُقُّوا امواج الفِتَنِ بسفُنِ النَّجاةِ وعَرِّجُوا عن طریق المنافَرَةِ وَ ضَعُوا تیجانُ المُفاخَرةِ؛ امواج دریاى فتنه را با کشتى‏هاى نجات بشکافید. از راه خلاف و تفرقه دورى گزینید و نشانه‏هاى تفاخر بر یک‏دیگر را از سر بر زمین نهید. (نهج‏البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 5، ص 57.)

امام على ‏علیه السلام ضمن سخنانى با اشاره به توانایى خود در گرفتن حقش تنها دلیل اقدام نکردن براى گرفتن حق خود را جلوگیرى از تفرقه مسلمین بیان کرده، مى‏فرماید :

به خدا سوگند اگر بیم تفرقه میان مسلمین و بازگشت کفر و تباهى دین نبود رفتار ما با آنان طور دیگر بود. (ابن ابى الحدید، شرح نهج‏البلاغه)

و در جاى دیگر مى‏فرماید : فَرَأَیْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِیقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِینَ وَ سَفْكِ دِمَائِهِمْ ؛ دیدم صبر از تفرّق کلمه مسلمین در ریختن خون شان بهتر است.( ابن ابى الحدید، شرح نهج‏البلاغه)

چنان‏که ملاحظه مى‏شود امام على‏ علیه السلام در راه ایجاد وحدت مسلمین از حق خلافت خود نیز گذشتند و 25 سال را در حالى به سختى سپرى کردند که به فرموده آن حضرت « فَصَبْرَتُ وَ فِى الُعَيْنِ قَذىً، وَ فِى الْحَلْقِ شَجا ؛ پس صبر کردم در حالى که چشمانم را خاشاک و غبار و گلویم را استخوان گرفته بود.( نهج البلاغه، خطبه 3، ص 46.)

امام على‏علیه السلام در دوران خلافت نیز حفظ وحدت را مهم‏تر از اقدامات نظامى دانسته و در برخورد با بیعت شکنان جمل و خوارج نهروان و سپاهیان شام و معاویه پیش از آن‏که اقدام به جنگ نماید، تمام تلاش خود را به کار بست تا از جنگ و خون‏ریزى میان مسلمانان جلوگیرى شود و در همه جنگ‏ها نیز پس از آن‏که مجبور به جنگ شد یارانش را فرمان داد که آغازگر جنگ نباشند. به هر حال از آنجا که وحدت یکى از نخستین فاکتورهاى مهم براى ایجاد امنیت است ، امام على‏علیه السلام نیز همواره بر آن تأکید داشتند و این مهم در گفتار و روش آن حضرت ، نمایان است.

وفای به عهد

یکی از مهمترین ابعاد اندیشه سیاسی امام، وفای به عهد است. حضرت علی (علیه السلام) هیچ گاه پیمان شکنی نکرد و حتی وقتی می توانست از طریق پیمان شکنی حیله های دشمن را خنثی کند، به این کار مبادرت نورزید و آن را حتی به بهای پیروزی، روان داشت. حضرت در نامه های حکومتی به امرای خود، آنها را به پایبندی بر «عهد» سفارش تاکید نمود و برای نمونه حضرت به مالک اشتر می نویسد:

از دیدگاه امام (علیه السلام) وجه تمایز اصلی «حکومت اسلامی» با دیگر حکومتها، عدالت و دوری از ستم است.

امام علی(ع): «به عهد خویش وفادار باش، چه آن که مردم با همه هواهای گوناگون و نظرات مخالفی که با هم دارند، نسبت به هیچ یک از واجب های الهی چون بزرگ شمردن وفای به عهد، هم داستان نیستند.»

آن بزرگوار با پیشنهاد یارانش برای شکستن عهد خویش در جنگ صفین مخالفت کرد و به آنها فرمود:

«وای بر شما! آیا بعد از عهد و پیمان باز گردیم؟ مگر نیست که خداوند تعالی فرمود: به قرارهای خود وفا کنید؟».

آثار دوستی علی بن ابی طالب (ع)

ابن شاذان در کتاب «مناقب»از ابن عمر نقل می کند که گفت: از رسول خدا(ص)درباره علی بن ابی طالب (ع) سوال کردیم، حضرت خشمگین شده، فرمود:

«چرا بعضی در باره کسی شک دارند که درجه و مرتبه اش نزد خدا، مثل درجه و مرتبه من است و از همه مقامات من، جز نبوت برخوردار است».

بعد فرمود:«بدانید، هر کس علی (ع)را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته است و هر که مرا دوست داشته باشد خدا از او راضی و خشنود است و کسی که خدا از او خشنود باشد پاداش او را بهشت قرار می دهد». (در کتاب بشارة المصطفی (ص)ب

عد از این جمله اضافه کرده است «بدانید، هر کس علی (ع) را دوست بدارد خداوند نماز، روزه و سایر اعمالش را قبول می کند و دعای او را به اجابت می رساند».)